

برابر اند ششم در آئینه نظر کردن حتی که عنکب هم نزد که بصورت
 و در آب صاف نگرستین هم خوب نیست مگر اقوی جواز است
 مفتح موزه و جوارب پوشیدن یا چیز که پشت قدم را پوشاند
 پس اگر ضرورت باشد جائز است مگر چیز که پشت قدم را
 می پوشاند از بالایش پاره کند ششم در وضع گرفتن ششم
 خوردن شتم در غیر طاعت خدا و هم گشتن جا نوزانی که در
 بدن باشند چون کباب و پیش و کند و غیره و نقل کردن آنها
 درین صورت جائز است که احتمال تلف شدن آن
 جا نوزان نباشد یا زود هم انگشتی در دست کردن برای
 زمینت و بغرض استحباب جائز است و زود هم زمان را
 زود پوشیدن برای زمینت مطلقا الا آنچه استثنای کرده اند
 علما بنا بر تفصیلی که در محل خود مذکور است سیزدهم استعمال
 کردن روغن خواه خوشبو باشد یا نباشد مگر فرق اینست
 که در خوشبودار کفاره لازم می آید و در غیر آن کفاره نیست
 مگر گناهی که میشود چهاردهم دور کردن سوا قلیل باشد ندای
 کثیر عند الضرورت جائز است یا زود هم پوشیدن سرب
 مروان حرام است و همچنین غسل ارتعاشی کردن و اگر سرب را

پوشانند واجب است که نوزاد آنرا در کفند و سجدیه تلبیه کنند
 یک گوسفند فدیهد و برای زنان پوشیدن سر جایز است
 و لکن پوشیدن رولطوری که پارچه لباس و غیره بر روی چسبیده
 باشد جایز نیست پس باید زن محرم در وقت پوشیدن سر
 مقنعه را ملکه چادر خود را چنان از سر بریزد اندازد که از بینی او
 بلکه از ذقن او تجاوز نماید و آن مقنعه یا چادری بر روی او بر نخورد
 یعنی آنرا از چوبه یا از دست خود برداشته جدا دارد و از روی خود نبرد
 بلکه کف روی او بر سر در حالت راه رفتن چه آن سائبان از قسم
 کجاوه باشد یا غیر آن مهتد هم بیرون آوردن خون از بدن
 و همچنین خراشیدن جلد بدن با لیسواک کردن که مظنه داشته
 باشد که خون بیرون می آید مگر عند الضرورت جایز است
 و اگر بغیر ضرورت خون از بدن بیرون آید کفاره لازم است
 و آن یک گوسفند است هیچی هم تراشیدن ناخن بر بدن
 و کندن درخت و گیاه های که در حرم رسیده باشد و شکستن
 شاخهای آنها و چیدن برگ و میوه آنها و لکن جایز است
 چیدن رطب و خرما و چیدن میوه های درخت فواکه متعارف
 مانند انار و انگور و مثل اینها ملکه این اشجار نیز جایز است

که قطع کرده شوند اگر چه در حرم روییده باشند کما صرح به
 فی المدارک و آنچه او هر و الله لعلم تو زوجه محرم را بجا نور غسل
 دادن بستم پوشیدن اسلحه بغیر ضرورت و بر محرم ده چیز مکروه
 اند اول احرام بستن در پارچه سیاه دوم بر بستن شش سیه
 خوابیدن سیم احرام در پارچه چرک آلوده بستن اگر چه طاهر باشد
 چهارم پوشیدن پارچه که خطوط داشته باشد پنجم مالیدن خنابرای
 زینت و همچنین است حکم زنان بلکه احوط حکم پنجم بستن
 نقاب برای زن و تفصیلش بالا مذکور شد ششم بجام رفتن بستن
 پن ن را در حمام و غیر حمام مالیدن نهم لبیک گفتن در جواب
 کسی و هم پوشیدن گلها نزد بعضی و احوط ترک این است
 اما مسنون است چهارم اند اول مرد را می باید که تلبیات
 را باواز بلند گوید و دوم تکرار آن تلبیات وقت نوم و در وقت
 بیداری و بعد هر نماز واجب و سنتی و وقتیکه برشته سوار شود و
 آن شتر از جای خود بر خیزد و وقتیکه در راه بلندی نمایان
 باشد مثل رشته کوه که بالای آن برود یا پائین آید و وقت
 سحر باید که سیم انگیه پارچه پاره ای احرام از پنبه باشند چهارم
 در تلبیات فقرات زائده که در سابق مذکور شد بخواند بلکه

وَفِيكَ وَأَرْحَمَ مَسِيرِي إِلَيْكَ مِنَ الْبُرِّ الْعَمِيقِ
 اللَّهُمَّ رَبِّ الْمَنَارِقِ كُلِّهَا فَانكِرْ قَبِي مِنَ النَّارِ
 وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ وَأَدْخِلْ عَنِّي شَرَّ
 فَسَقَاتِ الْحَيِّ وَالْأَلْسِ وَشَرِّ فَسَقَاتِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ
 اللَّهُمَّ لَا تَمُكِرْ بِي وَلَا تَخْدَعْ عَنِّي وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَوْلِكَ وَتَوَاتُكَ وَجُودِكَ وَ
 كَرَمِكَ وَفَضْلِكَ وَمَنَّاكَ يَا أَسْمَعَ السَّمْعِ الْعَاطِلِ
 وَيَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَيَا
 أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 و نیز سحب است که دعا کند برای خود و برای والدین و
 برای برادران یا یاری و نیز سحب است که بمقام سهل
 یعنی پایین کوه بجای هموار بایستد و نیز سحب است که اسباب
 خود را یک جا جمع کند و سحب است که الیاده دعا کند و جمیع
 معاصی خود را جدا جدا در خاطر خود پیار و استغفار کند و
 بالای کوه نرود و سحب است که قبل از نماز پیشین غسل
 کند و نماز ظهر را بیک اذان و دو اقامت بخواند و
 بعد فراغ نماز و طلب آمرزش خود برای برادران یا یاری

خود صد مرتبه الحمد لله و صد مرتبه سبحان الله و صد
 مرتبه لا اله الا الله و صد مرتبه آیه الکرسی و صد مرتبه
 اللهم صل على محمد و آل محمد و صد مرتبه
 سوره انا انزلناه و صد مرتبه لا حول و لا قوة الا بالله
 و صد مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند بعد از آن هر حاجتی
 که داشته باشد طلب کند که حق تعالی در آن روز در پی
 اجابت او آمده است در بیان و قوت و مشعر
 الحرام بعد از زوال حره مشرقیه از عرفات روانه شود
 و بشعر بیاید و نماز مغربین را بیک اذان و دو اقامت
 بخواند و دعائیکه از عصمتین منقول است بخواند و از جمله
 دعاها اگر این دعا بخواند برتر است اللهم هلكه جمعه
 اللهم اني اسئلك ان تجعل لي فيها جوامع الخير كله اللهم
 لا تؤسني من الخير الذي سئلتك ان تجمعه
 لي في قلبي ثم اطلب به اليك ان تعرفني ما عرفته
 اوليائك في منزلي هذا و ان تقيني جوامع الخير
 و بوقتیکه بشعر رسیت کند که در شعر توقف میکنم ازین وقت
 تا طلوع آفتاب واجب قرئته الی الله و سنت است که غسل

بکند و تا صبح بگذرد دعا و تلاوت قرآن مستحول ماند و بیعت
 است که از حدیث اکبر و اصغر ظاهر باشد و مستحب است
 که بالای کوه رفته ذکر الهی کند و نیز مستحب است وقتیکه
 بمشعر برسد بقصد شکر ریزه بچیند و در شکر ریزه باره شرط است
 اول اینکه حجر باشد و از حرم باشد مگر از صاحب نباشد
 و نوز باشد و مستحب است که سنگ سحت نباشد و بقدر
 سر انگشت باشد و نقطه دارد و مختلف اللون باشد و
 چون صبح صادق شود و مستحب است که تحبیر نیت بکند
 باین طور که در مشعر احرام و قوت میکنم از طلوع صبح تا طلوع
 آفتاب واجب قرینه الی الله و چون طلوع آفتاب شود
 از مشعر احرام روانه شود و بوضعی برسد که آن را وادی محشر
 میگویند در آنجا قدم تند رود و بگوید **اللَّهُمَّ سَلِّمْ عَهْدِي**
وَ اَهْلِيكَ تَوْكَيْتِي وَ اَجِبْ دَعْوَتِي وَ اَخْلِفْنِي فِي مَمْنِي
تَوَكَّلْتُ بِعَدِي وَ هِرْكَاهُ بَنِي سَيَّادٍ عَامِرٍ مَرْسُومٍ سَجَّادٍ
 و افعال سه گانه را و جو بجا آورد یعنی اول از رمی کند پس ثانی
 پس حلق و در رمی حبه عقبه چند امر واجب است اول نیت
 دوم عدد یعنی هفت شکر ریزه باشد سیم رمی و مراد از رمی

در حدیث اکبر و اصغر
 مستحب است که در مشعر
 احرام و قوت میکنم از
 طلوع صبح تا طلوع
 آفتاب واجب قرینه
 الی الله و چون طلوع
 آفتاب شود از مشعر
 احرام روانه شود و
 بوضعی برسد که آن
 را وادی محشر میگویند
 در آنجا قدم تند رود
 و بگوید اللَّهُمَّ سَلِّمْ
 عَهْدِي وَ اَهْلِيكَ
 تَوْكَيْتِي وَ اَجِبْ
 دَعْوَتِي وَ اَخْلِفْنِي
 فِي مَمْنِي تَوَكَّلْتُ
 بِعَدِي وَ هِرْكَاهُ
 بَنِي سَيَّادٍ عَامِرٍ
 مَرْسُومٍ سَجَّادٍ

آنست که یک یک سنگ نیز بار آید اگر سفت سنگ نیز در یک بار آید
 آن در حساب شمرده نخواهد شد چهارم هر سنگ نیز بقوت رومی بجزو رسد
 نه از اعانت غیر رومی پنجم آنکه هر سنگ نیز را بر جمعه زند بطریق رومی صواب
 آید و چند امر در رومی مستحب اند اول ظاهر و با وضو باشد و بعضی علماء
 این را واجب دانسته اند دوم دعا وقت رومی کردن سیم در میان رومی
 و جمعه از ده یا پانزده ذراع زیاده فصل نباشد و پیاده رومی کند و
 دعا وقت زدن هر سنگ نیز بخواند و مستحب است که وقت زدن جمعه
 عقبه و بجزو عقبه کند و پشت بقبله و در دیگر حجرات رو بقبله و بجزو
 در میان قربانی باید دانست که قربانی کردن بر کسی که
 حج تمتع کرده است واجب است و بر قارن و مفرد واجب نیست
 و در ذبح شرط است که نیت خود بکند یا اینکه ذبح از طرف او
 نیت بکند و می باید که ذبح در منی باشد و از یک شخص یک ذبی
 کافیت نه کمتر از آن و بعضی علماء فرموده اند که بوقت ضرورت
 پنج یا هفت کس شریک میتوانند شد و می باید که این ذبیحه را از منی
 بیرون نبرد بلکه همان جابر برادران ایمانی و بر فقر تقسیم نماید و
 یک حصه خود بخورد و نیز واجب است که ذبح را بر تراشیدن سر
 مقدم دارد و در ذبیحه سه چیز واجب است اول جنس یعنی از شتر

شتر یا گاو یا گوسفند و بز باشد دوم عم برین در
 شتر شرط است که پنج سال تمام شده باشند
 و سال ششم شروع شده باشد و در گاو و بز احوط آنست
 که سال سوومیش شروع شده باشد و در گوسفند
 احتیاطا شرط است که یک سال تمام شده باشد و دوم
 شروع شده باشد سیم اینکه هیچ عیب نداشته باشد مثل انگ و خصیه
 بریده یا کوبیده و گوش بریده و شاخ شکسته و کور و پیر و پلاغز و غصیه
 نباشد و سحاب است که فریب باشد و در گاو و شتر افضل آنست که ماده
 باشند و در گوسفند و بز بهتر این است که نر باشند و دعای ذبح که در
 ماه ذیحجه مذکور شد بخواند و سحاب است که گوشت قربانی را سه حصه
 کند یک به فقرا و یک به برادران ایما فی لبطور تخفیه به هر دو یک خود
 بخورد و قربانی گاو میش و بز گاو مکره و سبت اما قربانی کردن در منی
 تا چهار روز جائز است یعنی دهم و یازدهم و دوازدهم و سیزدهم
 و این قربانی از ارکان حج نیست و در غیر منی تا سه روز و سبت است
 خوردن این ذبیحه و گوشت این ذبیحه از منی بیرون بردن مکروه است
 و کسی که قربانی دهدی مسکینه حاجت این ذبیحه ندارد آری اگر هر دو را
 جمع کند افضل خواهد بود اما کیفیت حلق و تقصیر

پس بدانکه هرگاه از قربانی خارج شود بخیر است که حلق سر بکند یا بر سر
 از مفرض و مستحب است که جمع کند در میان حلق سر
 و تراشیدن پروت و ناخن چیدن و هر که اول مرتبه حج کرده است
 یا اینکه سوهای سر خود را در آن کرده و بر سر سوهار اگر زده باشد یا صمغ و غیره
 مالیده باشد در هر صورت حلق سر تا کید اکید و او بلکه بعضی از
 علماء بوجوب قائل شده اند و زنان را حلق سر جایز نیست بلکه
 می باید که عوض حلق چیزی از سوهای سر خود تراشد اگر چه بقدر سر
 انگشت باشد و این حلق تقصیر را بر طواف خانه کعبه و سعی مقدم
 باید داشت و اگر عمد آموخ کند کفار که یک گوسفند بر او واجب است
 و با وجودش اعاده طواف بعد حلق یا تقصیر نیز واجب خواهد بود
 و اگر سهوا چنین کند چیزی بر او نیست غیر از نیکه اعاده طواف نماید
 و این حلق و تقصیر رسیدن منی باید کرد و سومی خود را سحت است
 که در خمیه خود دفن نماید و درین حلق و تقصیر نسبت بکند که موسی
 سری تراشم واجب قرینه الی الله و اگر موسی سر تراشیده باشد
 پس تیغ و لاک را بعد از آن بر سر خود بگذارد و اگر بسبب غدر این
 حلق و تقصیر در منی واقع نشود پس در کعبه مغمطه کند و سوهای خود را
 در منی بفرساید که در آنجا دفن کنند و ارکان منی موافق تشریحی که نوشته

بجای باید آورد یعنی اول روی بعد آن ذبح بعد آن حلق سرسب گرسی
 در ترتیب فرق کرد یعنی مقدم را موخر کرد و گنگار خواهد شد مگر عاده آنها
 لازم نیست علی المشهور و بعد حلق و تقصیر همه اشیا که بر محرم حرام بودند
 حلال خواهند شد مگر خوشبو و زن و تشکار و هرگاه طواف زیارتخانه
 لعبه نمود و بعد آن از سعی فراغ حاصل کرد پس خوشبو حلال شد
 و هرگاه طواف النسا کرد مع نماز سنن زن و تشکار حلال شدند مسئله
 هرگاه بر روز عید از ناسک سنی فارغ شود بهتر است که در یک باید و طواف
 سعی بکند همان روز و اگر تاخیر کرد پس صباح آن می باید که بکند یا بدو
 کسیکه حج تمتع کرده است پرايش تا کعبه بشاید و او شده در حکم مذکور
 مسئله طواف سعی را بر وقوف عرفات و سعی مقدم داشتن
 جایز نیست آری اگر صاحب عذر باشد یا سیدانند که در آن زمان
 بسبب حیض و نفاس بجا آوردن این ارکان ممکن نخواهد بود
 پس درین صورت تقدیم جایز است مگر بعضی علماء درین صورت هم
 تقدیم را جایز نمیدارند بلکه قائل شده اند که بعد رفع عذر
 اگر چه تا آخر ذیحجه باشد بجا باید آورد پس اگر تا آخر ذیحجه هم ممکن
 نباشد درین صورت تقدیم بلا اشکال جایز است مگر احوط آنست
 که تا نبی هم مقرر کند که از طرف او این ارکان را بجا آورد

مسئله مستحب است وقتی که بکشد باید برای طراوت و سعی غسل
 بکند و ناخن بچیند و پروت بگیرد و هنگام داخل شدن مکه شست
 چیز سنت است اول غسل که بهتر است از چاه سیمون یا از نخ
 بکند و روزه از خانه خود غسل کند و برود دوم غاسیدن از خروان
 گیاه خوشبو است سیم و قتیله در که داخل شود از جانب بلند میاید
 چهارم برهنه یا باشد با سکنه و وقار و سحر وقت داخل شدن حرم
 مکه مفضل این دعا بخواند اللَّهُمَّ إِنَّكَ قَلْتُمْ فِي كِتَابِكِ وَقَوْلِكَ
 الْحَقُّ وَأَذِنَ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تَوَكُّبَ رِحَالًا وَعَلَى كُلِّ
 ضَامِرٍ يَا نَبِيَّ مِنْ كُلِّ نَجْوَى عَمِيْقِ اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَرْجُو أَنْ أَكُونَ
 مِنْ دَعْوَتِكَ وَقَدْ حَبَّبْتَ مِنْ سُقَّةِ بَعْدِكَ وَمَجْرِي
 عَمِيْقِ سَامِعًا لِنِدَائِكَ وَمَسْتَجِيْبًا لِكَلِمَاتِكَ مُطِيعًا
 لِأَمْرِكَ فَكُلُّ ذَلِكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ
 إِلَيَّ فَالْحَمْدُ عَلَيَّ مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ أَنْتَ يَا نَبِيَّ
 الرَّأْفَةِ عِنْدَكَ وَالْقُرْبَى إِلَيْكَ وَالْمَنْزِلَةَ لَدَيْكَ
 وَالْمَغْفِرَةَ لِكُلِّ ذَنْبِي وَالثَّوْبَةَ عَلَيَّ مِنْهَا بِمَنِّكَ
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ حَرَمِ بَدَنِي
 عَلَيَّ النَّارِ قَامِعِي مِنْ عَذَابِكَ وَعِقَابِكَ بِرَحْمَتِكَ

ایا اگر سحر الزاحمین ششمین از داخل شدن مسجد الحرام
 غسل کند ششم از وزنی شیبیه بعد تو وقت کردن چند لمحه قصد
 داخل شدن مسجد کند ششم بر در مسجد احرام افتاده بر رسول
 خدا این چنین سلام بفرساید السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا
 النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَ
 مَا شَاءَ اللَّهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ آئِلِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ
 اللَّهُ وَالسَّلَامُ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ وَالْحَمْدُ
 لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ پس بکمال خضوع و خشوع داخل
 شود در مسجد احرام و بعد از دخول رو بجانب کعبه مشرف کرده
 دستها را بر وارد و این دعا بخواند اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي
 مَقَامِي هَذَا فِي آوَّلِ مَنْاسِلِكَ أَنْ تَقْبَلَ تَوْبَتِي وَ
 أَنْ تَجَاوِرَ عَنِّي خَطِيئَتِي وَتَضَعَّ عَنِّي وَتُزِيلَ عَنِّي
 اللَّهُ الَّذِي يَدْعُونِي إِلَيْكَ الْحَرَامِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
 أَنْ هَذَا بَيْتِكَ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْتَهُ مَثَابَةً
 لِلنَّاسِ وَأَمْنًا مَبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ
 إِنِّي عَبْدُكَ وَالْبَدِيدُ لِبَلَدِكَ وَالْبَيْتِ بِبَيْتِكَ
 حَيْثُ أَطْلَبُ رَحْمَتَكَ وَطَاعَتَكَ مَطِيعًا

لَا مِرَّةً رَاضِيًا بِقَدْرِكَ أَشْكَكَ مَسْئَلَةَ الْفَقِيرِ
 إِلَيْكَ الْخَائِفِ بِمَثُوبَتِكَ اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ
 رَحْمَتِكَ وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ
 بعد از آن حجر الاسود را بوسه و اگر تواند دست خود را بوسه
 و اگر این نیز ممکن نشود بجانب حجر بدست اشاره کند بعد از آن
 این دعا بخواند اللَّهُمَّ إِنِّي أُوْمِنُ بِوَعْدِكَ وَأُوْفِي بِعَهْدِكَ
 اللَّهُمَّ أَمَّا نَتِي أَكْثَرُهَا وَمِيثَاقِي تَعَاهُدُكَ تَأْخِذُكَ
 لِي بِالْمُؤَافَاةِ اللَّهُمَّ تَصَدِّقًا لِبَيْئَاتِكَ وَعَلَى سُنَّةِ
 نَبِيِّكَ أَشْهَدُ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ
 أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ أَمَّنْتُ بِاللَّهِ كَفَرْتُ بِالْ
 جِبْتِ وَالظَّالِمِينَ وَاللَّاتِ وَالْعُزَّى عِبَادَةَ الشَّيْطَانِ عِبَادَةَ كَلْبِ
 يَدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ اللَّهُمَّ إِلَيْكَ تَبَطَّطْتُ تَلِي
 وَفِي مَا عِنْدَكَ عَظُمْتَ رَغْبَتِي فَأَقْبَلْ سَعْيِي وَاعْفُ عَنِّي
 وَارْحَمْنِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ
 وَمَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ -

در بیان کیفیت طواف و آداب آن
 پس در طواف دو ازوه امر واجب اند اول طهارت از حدث

اکبر و اصغر پس اگر در انتهای طواف بعد از استعاوذ نشدن یا از نصف
 اشواط محدث نشود و طواف را از آن مقام ترک کند و طهارت
 کرده باز از مقامی که قطع کرده شروع کند و اگر از نصف استعاوذ نشده
 بعد طهارت طواف از سر گیرد و اگر طواف کننده قادر بر وضو و غسل نباشد شیم کند
 و اگر از شیم هم مجبور باشد پیش از آن مقرر کند و با وجودش احتیاطا خود
 هم طواف کند شرط دوم آنکه بدن و لباس از نجاست پاک
 باشد شیم مروان ایجابد که مختون باشند و اطفال هم بنا بر احتیاط
 چهارم شرعوتین و در سایر آن جمیع شرائط لباس مصلی ملحوظ
 باید داشت پنج نیت چنین میکند که سبقت شوط طواف خانه
 کعبه بجای آوردم از عمره تمتع یا از حج تمتع یا از طواف نسأوا
 قرینه الی الله ششم ابتدای شوط از حجر اسود باین پنج بوده باشد
 که کل بدن طواف کننده مقابل حجر اسود باشد و اگر این ممکن نباشد
 پس حسب زوی از اجزای بدن مقابل جزوی از اجزای حجر
 باشد و ظاهر این محاذات عرفیه کافیه است چه در تحصیل محاذات
 حقیقی عسر و مشقت و حرج لازم می آید فلهمذا علما آن را ترک
 کردند و احوط این است که قدری مقدم از حجر اسود طواف
 شروع کند و این تقدیم من باب المقدمه است هفتم اینکه

ختم هر دوره بر حجر الاسود بوده باشد مستقیم آنکه در هر دوره خانه
 کعبه را بر دست چپ خود بدارد پس اگر احیاناً بعضی اجزاء بدن
 طواف کننده در وقت بوسه دادن حجر اسود یا بسبب ازوجام
 حاجیان از کعبه منحرف شود آن شوط باطل است پس مقتضای
 احتیاط اینست که باین طور دوره کند که قبل از رسیدن بآب
 آن حجر قدری بدن خود را بجانب چپ کعبه نماید تا شانه چپ
 از خانه کعبه منحرف نگردد و همچنین قبل از رسیدن بآب دوم
 حجر اسمعیل بدن خود را بجانب راست قدری کج نماید چنانچه
 بعضی محتاطین نوشته اند تمام ایکه حجر اسمعیل را در طواف داخل
 کند یعنی بدو را این هم گردد و در آثار دوره داخل اندرون آن
 نه شود پس اگر همین کند آن شوط بلکه ظاهر تمام طوافش باطل
 خواهد شد و حجر اسمعیل مقایست که در آنجا جانب باجره و نیز دیگر
 انبیاء مدفون اند و هم طواف در میان خانه کعبه و مقام ابراهیم
 باید کرد و مسافت در میان خانه کعبه و مقام ابراهیم است و شش
 و نیم ذراع است پس رعایت این مقدار که هر جانب باید کرد یعنی
 در هر شوط ازین مقدار کم فاصله باشد در میان طواف کننده
 و خانه کعبه پس اگر از خانه کعبه زائد از مقدار مذکور دور شد در هر

شوط پس طوافش باطل است یازدهم در وقت طواف چیزه
 از بدن خود داخل شاوروان کم و بیش نکند و شاوروان
 صفا است گردخانه کعبه و همچنین دست برد یوارخانه کعبه نگذارد
 و همچنین در آشنای طواف برد یوار حجر اسمعیل سالانزد که این همه با
 باعث اختلال طواف اند و آندو آندو هم سفت دوره کند و این
 مجموع را طواف گویند و هر دوره را شوط پس این سفت دوره
 را عمر کم و زیاد نکند و اگر سهوا در طواف کمی کرد پس اگر از نصف
 متجاوز نشده است طواف از سرگیری و اگر طواف کنند و در
 دور بی طواف شک کرد پس اگر بعد طواف شک عارض
 شد این شک از محل اعتبار خارج است و اگر در آشنای
 طواف شک عارض شود مثلاً شک کند که این دوره بهتر
 است یا ششم طواف باطل است و بر کم بنا کردن هم جائز
 داشته اند بلکه بهتر است همین که بر اقل بنا کند بیت قربت
 و طواف را تمام کند و طواف دیگر احتیاطا از سرگیری و طواف
 لازم است که بطریق ستارفت راه رود پس اگر بر یک پا
 یا بر چهار دست و پا خیزگزان طواف کند صحیح نخواهد بود و
 دوره طواف را به حجر الاسود تمام کند بی زیاد و کم و بعد ششم

طواف دو رکعت نماز در پس مقام ابراهیم یا در پہلوی آن است
 و خوب بگذارد و منجیر است در قنات این هر دو رکعت با نیت
 و جهر و سنت است که در رکعت اول بعد حمد سوره قل یا
 یا ایها الکافرون و در رکعت دوم بعد حمد سوره قل هو الله احد
 بخوانند و در روایتی عکس این در باره هر دو سوره وارد شده
 در بیان مستحبات طواف پانزده امر در طواف
 مستحب اند اول ایستادن نزدیک حجر اسود و دوم حمد پروردگار
 و در و بر محبت او آل محمد تسبیح دستها را بلند کرده دعا کردن
 چهارم بوسه دادن حجر الاسود و ملصق شدن بآن و اگر بوسه
 دادن ممکن نباشد پس بدست آن راس نموده دست
 را بوسه و اگر این هم ممکن نباشد پس بدست اشاره س
 کند بجانب حجر الاسود و بچشم این دعا خواندن آمنا کنی یا آمنا کنی
 وَ مِثْلَکَ تَعَاوَدُ لَیْسَ هَدَى لَیْسَ هَدَى بِی یَا مُوَا فَاةَ اَللّٰهِمْ
 تَصَدِّقًا بِکُنَا یَا کَ وَ عَلٰی سُنَّةِ نَبِیِّکَ اَشْرَفُ
 اِنَّ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَ حْدَهُ لَا شَرِکَ لَهٗ وَ اَنْتَ
 مُحَمَّدٌ عَبْدٌ وَ رَسُوْلُهُ اَمْسَتْ بِاللّٰهِ وَ کَفَرْتُ
 بِالْحَبِیْبِ وَ الظَّاعُوْتِ وَ اللّٰتِ وَ الْعَزَّی وَ عِبَادَ

و در هر شتو طوقتی که بر در خانه کعبه برسد صلوات بر محمد و آل محمد
 و این دعا را بخواند سنا ایلتک فقیرتک منسکینتک بنایکت
 فَصَدَّقَ عَلَيَّ يَا حَبِيبَهُ اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ
 وَالْحَرَمُ حَرَمُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَهَذَا مَقَامُ
 الْعَائِدِينَ بِكَ الْمُسْتَجِيرِينَ مِنَ النَّارِ فَاعْتَقِنِي وَ
 وَالِدِي وَوَلَدِي وَأَخَوَانِي الْمُؤْمِنِينَ مِنَ
 النَّارِ يَا جَوَادِيَا كَرِيمًا فَهَمَّ دَرِثَانِي طَوَات نَشْد رُو
 نه استه بکله میانده باشد ششم و قتی که حجر اسمعیل رسد بر ناو و دان
 طلایی نگاه کند و این دعا بخواند اللَّهُمَّ إِذْ خَلَيْتَنِي الْجَنَّةَ
 وَأَجْرِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ وَطَافَنِي مِنَ السُّقْمِ
 وَأَوْسَعَ عَلَيَّ مِنَ الرِّشْقِ وَالْحَلَالِ الطُّيْبِ وَ
 إِذْ سَأَعْتَنِي شَرَّ قَسَمَةِ الْجَبِّ وَالْأَشْرِ وَسَدَّرَ
 قَسَمَةَ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ نَمُوقْتِيهِ از حجر گنبد رو و پشت
 خانه کعبه برسد این دعا بخواند يَا ذَا الْمَلَنِ وَالطَّلُولِ يَا
 ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفٌ
 لِي وَتَقَبَّلْهُ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ
 و هم از رکن مستجاب کسپید در ووره هفتم و این دعا بخواند

اللهم

اللَّهُمَّ الْبَيْتَ وَالْعَبِيدَ عَبْدَكَ وَهَذَا امْتِقَامُ
 الْعَائِنِيكَ مِنَ النَّارِ اللَّهُمَّ مِنْ قِبَلِكَ الرُّوحُ
 وَالْفَرْحُ وَالْعَافِيَةُ اللَّهُمَّ إِنِّي عَمَلْتُ ضَعِيفٌ
 فَصَنَاعِفُهُ لِي وَاعْفُزْ لِي مَا أَظْلَعْتَ عَلَيَّ مِنْهُ وَخَفَى
 عَلَيَّ خَلْقِكَ اسْتَجِيرُ يَا اللَّهُ مِنَ النَّارِ يَا زَوْجِ
 وَسْتَهَائِي خُورًا كَشَادَهُ كَرُودَهُ بِرُودِيَارِ كَسِبَهُ بِكِبَارِ وَرُخْسَارِ
 خُورِ الرُّزُوقِ وَالْمَصُوقِ كُنْدِ وَابْنِ دَعَا بَخْوَانِدِ اللَّهُمَّ إِنِّي
 عِنْدِي أَقْوَابُ جَانِّينَ ذُرُوبٍ وَأَقْوَابُ جَانِّينَ
 خَطَايَا وَعِنْدَكَ أَقْوَابُ مَحْمَدٍ وَرَحْمَتِهِ وَأَقْوَابُ
 مِنْ مَغْفُورَةٍ يَا مَنْ اسْتَحْيَابُ لَا يُغْضُ خَلْقَكَ
 لَكَ إِذْ قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُعْتَبُونَ اسْتَجِبْ
 لِي دُورِ زَوْجِهِمْ هَرِگَاهِ بِرُكْنِ بِلَانِ بِرُودِ سْتَهَارِ الْمُنْدُ كَرُودَهُ
 ابْنِ دَعَا بَخْوَانِدِ يَا اللَّهُ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ وَحَتَا لِقِ
 الْعَافِيَةِ وَسَارِقِ الْعَافِيَةِ وَالْمُنْعِمِ بِالْعَافِيَةِ
 وَالْمَثَانِ بِالْعَافِيَةِ وَالْمُنْفِضِ بِالْعَافِيَةِ عَلَيَّ
 وَعَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
 وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمِ مَا صَلَّيْتَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الْعَاقِبَةِ وَتَمَامَ الْعَاقِبَةِ وَ
 شُكْرَ الْعَاقِبَةِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ
 الرَّاحِمِينَ بِتَرْتِيبِهِمْ خُورًا بِطَرَفِ خَانِهِ كَعَبِّ بَلْبَدِ كَسَدِ
 وَكَبُورِ الْحَمْدِ لِلَّهِ الَّذِي تَشْرَفَكَ وَعَظَمَكَ وَالْحَمْدُ
 لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا أَنْبِيَاءً وَجَعَلَ عَلِيًّا إِمَامًا
 اللَّهُمَّ اهْدِنَا لِمَا خَيْرَ خَلْقِكَ وَحَسْبِيَ شَرُّ خَلْقِكَ
 چهار دوهم هر گاه بر کن بیان و حجر اسود بر سدرین دعا بخواند
 رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا
 عَذَابَ النَّارِ و نیز مستحب است که از جمیع ارکان خورا
 بچپانند خصوصاً آنکه در او سنگ اسود است در کن بیان
 و بعد ختم شدن دوره هفتم حاجت خورا طلب کنند و
 گنایان گذشته خورا مفصلاً بیاورد و اگر یاد نباشند
 مجلاً اقرار کرده طلب عفو نماید انشاء الله همه را آمرزید
 خواهند شد و قتیله بدوره هفتم مقابل حجر اسود بر سدرین
 دعا بخواند اللَّهُمَّ تَعَنِّي بِمَا شَرَّكَ قَتَلْتَنِي وَبَارِكْ لِي
 فِيمَا أَنْكَرْتَنِي و نیز مستحب است که وقت بوسه دادن
 حجر اسود بایر پای مس کردن ارکان دیگر مثل ستجار و غیره

از جا نیکه برود در اینجا نشان بکند و وقتیکه برگردد و بهما بخا
بیاید تا که در طواف زیادتی و کمی لازم نیاید یا نیز در هر بعد
از گذاردن دو رکعت نماز طواف سنت است که نزد
حجر الاسود بیاید و بپوسد و بر چاه زمزم برود و یک یار و
دلو بکشد و از آن بخورد و بر سر و تن خود بریزد و در وقت
ریختن آب بگوید **اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عَلِمًا ذَا فِعْلاً وَرِشْقًا**
وَاسِقًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ وَسُخْبٍ است
که سه صد و شصت طواف بکند پس اگر قادر نباشد
سه صد و شصت شوط بکند پس بابت سه صد و پنجاه و شصت
شوط پنجاه و یک طواف حاصل خوانند شد و سه شوط
باقیه را بطواف اخیر ملحق سازد و مستحب است که در
حال طواف بجز دعا و ذکر حنا چیز نگوید
در بیان سعی در میان صفا و مروه
بدانکه هر گاه اراده سعی داشته باشد پس قبل از سحبا
آوردن سعی ده امر مستحب اند اول حجر اسود را بوسه دهد
و بدن و دست خود را از آن مس کند و دوم طهارت
سیم از آب زمزم غسل کردن از یک لویا و دو لوقد ری

از ان آب هم خوردن چهارم آب زمزم را بر بدن خود مقابل
حجر اسودالیتاره بریزد و تخم از بایک مقابل حجر اسود است
از ان در سیردن آید ششم بالای کوه صغاریه و در هفتم بر
رکن عراقی روی خود را بگرداند ششم حجر و ثنای پروردگانه
عالم بگردد هفت مرتبه الله اکبر و همین قدر احوال خود و همین قدر
لا اله الا الله و سمر مرتبه لا اله الا الله و حد لا اله الا الله
له الملك وله الحمد يحيي ويميت ويحيي ويميت يحيي و
حج لا يموت وهو على كل شيء قدير و صلوات
بر محمد و آل محمد بفرستد ششم قیام بر کوه صفا را یاد کند و اسم
سه مرتبه این دعا بخواند الله اكبر على ما هدتنا و
الحمد لله على ما اولنا و الحمد لله الحسني
القيوم و الحمد لله الحسني الذي هدانا لهذا
و ما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله و اشهد ان
محمد عبدك و رسولك لا نعبد الا اياه مخلصين
له الدين و لو كره المشركون و سبار این کلمات
را بگوید اللهم اني استسلك العفو و العافية
و اليقين في الدنيا و الآخرة و سمر مرتبه بگوید

اللهم

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالنَّبَا حَسَنَةً وَدِينِ الْأَحْسَنَةِ
 حَسَنَةً وَتَقِينَا عَذَابِ النَّارِ عِبَادَانِ صَدْرَتِهِ
 كَبُودِ اللَّهِ أَكْبَرُ وَصَدْرَتِهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَصَدْرَتِهِ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ وَصَدْرَتِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ عِبَادَانِ إِنْ
 دَعَا بِخَوَانِدِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَأَنْجَزَ وَعَدَّهُ كَأَنَّ
 نَصْرَ عَبْدَهُ وَغَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحَدَّهُ كَأَنَّ الْمَلَائِكَةَ
 وَاللَّهُ الْحَمْدُ وَحَدَّهُ اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ
 وَفِيَا بَعْدَ الْمَوْتِ اللَّهُمَّ إِنْ أَعْرَضَ بِكَ مِنْ ظُلْمَةٍ
 الْقَبْرِ وَخَشْتَهُ اللَّهُمَّ أَظِلَّنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ
 يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ عِبَادَانِ دِينِ وَنَفْسِ وَرَأْسِ وَ
 مَالِ خُورَادِ سِيرُونَ سَجْدًا تَعَالَى بِمَا لَعَنَهُ كُنْدُوا إِنْ دَعَا بِخَوَانِدِ
 أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُمَّ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ الَّذِي لَا تَضِيْعُ وَجْهَهُ
 دِينِي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي اللَّهُمَّ
 اسْتَعْمِلْنِي عَلَى كِتَابِكَ وَسِتَّةِ تَبِيئِكَ وَتَوْفِئِي
 عَلَى مِلَّتِهِ وَأَعِزَّنِي مِنَ الْفِتْنَةِ عِبَادَانِ سَتَّةِ مَرْتَبَةٍ
 اللَّهُ أَكْبَرُ عِبَادَانِ وَوَمَرْتَبَةٍ بِمِنْ دَعَا بِخَوَانِدِ عِبَادَانِ
 مَرْتَبَةِ الْعَدَا كَبُودِ اللَّهِ وَوَمَرْتَبَةٍ بِمِنْ دَعَا بِخَوَانِدِ عِبَادَانِ